

شماره: _____
تاریخ: ۳۵۸/۱۰۲۲۱۴
پست: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

حضرت آیت الله احمد جنتی
دبیر محترم شورای نگهبان

در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا به منظور اجتناب از
أخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بردرآمد، سرمایه و عواید
سرمایه‌ای که به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود و در جلسه علنی روز یکشنبه
مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مجلس با اصلاحاتی به‌نصوب رسیده است، به پیوست ارسال
می‌شود.

محمدباقر قالیباف

دبیرخانه شورای نگهبان
۱۰۶۲۹۶۳۳۳
نمارة ثبت: _____
تاریخ ثبت: ۱۴۰۰ / ۱۱ / ۲۴
کد پرونده: _____
سلامت ورود: _____

**لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد
مالیات‌های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای**

ماده واحده- موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای مشتمل بر یک مقدمه و (۳۰) ماده به شرح پیوست تصویب و به دولت اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره ۱- هزینه‌های مالی موضوع ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز دریافت یا پرداخت غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲- رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷)، یکصد و بیست و پنجم (۱۲۵) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای این موافقتنامه الزامی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا به منظور
اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های
بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای**

دولت جمهوری اسلامی ایران

و

دولت جمهوری غنا

با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱

اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲

مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمد، مالیات بر سرمایه و عواید سرمایه‌ای است که صرف‌نظر از نحوه اخذ آنها از سوی هر دولت متعاقد، تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع می‌گردد.

۲- مالیات بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای عبارت است از تمامی مالیاتهای وضع شده بر کل درآمد، کل سرمایه و کل عواید سرمایه‌ای یا اجزای درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای، از جمله مالیات بر درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:

الف) در مورد جمهوری اسلامی ایران:

(۱) مالیات بر درآمد:

- مالیات بر درآمد مستغلات؛
- مالیات بر درآمد حاصل از کشاورزی؛
- مالیات بر درآمد حقوق؛
- مالیات بر درآمد مشاغل (کسب و کار)؛ و
- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی.

(۲) مالیات بر دارایی.

ب) در مورد جمهوری غنا:

(۱) مالیات بر درآمد؛ و

(۲) مالیات بر عواید سرمایه‌ای.

۴- این موافقتنامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود مورد اشاره در بند (۳) این ماده بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳

تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید، معانی اصطلاحات، به‌قرار زیر است:

(الف)

(۱) اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود؛

(۲) اصطلاح «جمهوری غنا» به قلمرو جمهوری غنا از جمله مناطق هوایی، دریای سرزمینی و مناطق خارج از دریای سرزمینی اطلاق می‌شود که جمهوری غنا مطابق حقوق بین‌الملل نسبت به آن حقوق صلاحیت و حاکمیت در اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی بستر دریا، زیر بستر و آبهای مجاور آن را داشته باشد؛

ب) اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری غنا اطلاق می‌شود؛

پ) اصطلاح «شخص» اطلاق می‌شود به:
(۱) شخص حقیقی،

(۲) شرکت یا هر مجموعه دیگری از اشخاص؛

ت) اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود؛

ث) اصطلاح «دفتر ثبت شده» به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می‌باشد؛

ج) اصطلاح «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می‌گردد اطلاق می‌شود؛

چ) اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، قایق یا وسایط نقلیه هوایی اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه‌ای که محل مدیریت مؤثر آن در یک دولت متعاقد قرار دارد انجام می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق یا وسایط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در یکی از دو دولت متعاقد استفاده شود؛

ح) اصطلاح «تبعه» به مفهوم زیر است:

(۱) هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاقد را داشته باشد،

(۲) هر شخص حقوقی یا انجمنی که وضعیت قانونی خود را از قوانین

جاری در یک دولت متعاقد کسب کرده باشد.

خ) اصطلاح «مقام صلاحیتدار»:

(۱) در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا

نماینده مجاز او اطلاق می‌شود؛

(۲) در مورد جمهوری غنا به رئیس کل اداره درآمدهای مالیاتی غنا یا

نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای بکار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد و معنای مزبور نسبت به معانی اطلاقیه به اصطلاح مذکور به موجب سایر قوانین دولت متعاقد مربوط ارجحیت خواهد داشت.

ماده ۴

مقیم

- ۱ - از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاهد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت و تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ درآمد، سرمایه یا عواید سرمایه‌ای از منابع یا سرمایه واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می‌شود.
- ۲ - در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:
 - الف) او صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دایمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دایمی در اختیار داشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی)؛
 - ب) هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچیک از دو دولت، محل سکونت دایمی در اختیار نداشته باشد، صرفاً مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می‌برد؛
 - پ) هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد بسر برد یا در هیچ یک بسر نبرد، صرفاً مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آن را دارد؛
 - ت) هرگاه او تابعیت هیچیک از دو دولت متعاهد را نداشته باشد و در صورتی که نتوان بر اساس بندهای پیشین او را مقیم یکی از دولتهای متعاهد تلقی کرد، موضوع با توافق متقابل مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.
- ۳ - در صورتی که شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

ماده ۵

مقر دایم

- ۱ - از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دایم» به محل ثابت کسب و کار اطلاق می‌شود که از طریق آن فعالیت‌های یک مؤسسه کلاً یا جزئاً انجام می‌گردد.
- ۲- اصطلاح «مقر دایم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف) محل اداره؛

ب) شعبه؛

پ) دفتر؛

ت) کارخانه؛

ث) کارگاه؛

ج) معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره‌برداری از منابع طبیعی.

۳ - کارگاه ساختمانی، پروژه (طرح) ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان یا فعالیت‌های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، «مقر دایم» محسوب می‌شوند ولی فقط در صورتیکه این کارگاه، پروژه (طرح) یا فعالیت‌ها بیش از شش ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴ - علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، انجام فعالیت‌های زیر توسط مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر به‌عنوان فعالیت از طریق «مقر دایم» تلقی نخواهد شد:

الف) استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه؛

ب) نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش؛

پ) نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر؛

ت) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه؛

ث) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات، تهیه اطلاعات یا تحقیقات علمی برای آن مؤسسه و یا سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد؛

ج) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵ - علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۶) است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به‌طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیت‌هایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دایم تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶ - مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العامل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت دیگر دارای مقر دایم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. معذالک، هرگاه فعالیت‌هایی چنین عاملی به‌طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این عامل و آن مؤسسه در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به‌عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاقد دیگر را پایش (کنترل) می‌کند یا تحت پایش (کنترل) آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقر دایم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دایم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶

درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «اموال غیر منقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعهده‌ی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتی‌ها، قایق‌ها و وسایط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷

درآمدهای تجاری

۱ - درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقرر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقرر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقرر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، آن مقرر دائم در هر یک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاسلاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقرر دائم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقرر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها به‌طور معقولی برای مقاصد کسب و کار مقرر دائم صورت گرفته است، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقرر دائم در آن واقع شده است انجام پذیرد یا در جای دیگر. معذک، چنانچه مبالغی (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقرر دائم به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن به عنوان حق‌الامتياز، حق‌الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازای استفاده از حق انحصاری اختراع یا سایر حقوق، یا به عنوان حق‌العمل، برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت، یا به عنوان هزینه مالی وام اعطا شده به مقرر دائم (به استثناء مؤسسات بانکی) پرداخت شده باشد، به عنوان هزینه قابل قبول محسوب نخواهد شد. همچنین در تعیین منافع یک مقرر دائم مبالغ هزینه شده (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقرر دائم برای دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن به عنوان حق‌الامتياز، حق‌الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازای استفاده از حق انحصاری اختراع یا سایر حقوق، یا به عنوان حق‌العمل، برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت،

یا به عنوان هزینه مالی وام اعطا شده به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن (به استثناء مؤسسات بانکی) محاسبه نخواهد شد.

۴- چنانچه در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دایم بر اساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کاربردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقر دایم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دایم نخواهد بود.

۶- درآمد منظور شده برای مقر دایم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸

حمل و نقل بین‌المللی

۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتی‌ها، قایق‌ها یا وسایط نقلیه هوایی، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است. درآمد مزبور شامل درآمد حاصل مؤسسه بابت استفاده، نگهداری یا اجاره بارگنجهای مورد استفاده در حمل و نقل کالا یا اجناس در حمل و نقل بین‌المللی خواهد بود مشروط بر آنکه استفاده، نگهداری یا اجاره مزبور، حسب مورد، نسبت به استفاده از کشتیها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین‌المللی جنبه اتفاقی داشته باشد.

۲- در صورتی که محل مدیریت مؤثر مؤسسه کشتیرانی بر عرشه کشتی قرار داشته باشد، چنین تلقی خواهد شد که محل مذکور در دولت متعاهدی قرار دارد

که بندر اصلی کشتی در آن واقع است، یا در صورت نبود بندر اصلی، در آن دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که گرداننده کشتی مقیم آن است.

۳- مقررات بند (۱) در مورد درآمد حاصل از مشارکت در اتحادیه، کسب و کار مشترک یا نمایندگی فعال بین‌المللی نیز نافذ خواهد بود، اما فقط به آن قسمت از منافع حاصله که قابل انتساب به شریک به نسبت قدرالسهم آن در فعالیتهای مشترک باشد.

ماده ۹

مؤسسات شریک

۱- در صورتی که :

الف) مؤسسه یک دولت متعاهد به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، پایش (کنترل) یا سرمایه مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد، یا

ب) اشخاصی واحد به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، پایش (کنترل) یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشند،

و در هر یک از دو مورد، شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاهد درآمدهایی که در دولت متعاهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاهد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاهد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به‌عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر

مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰

سود سهام

- ۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.
- ۲- معذالک این سود سهام ممکن است در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتیکه دریافت کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد:
 - الف) پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام در صورتی که مالک منافع، شرکتی (به جز مشارکت) باشد که حداقل ده درصد (۱۰٪) سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را مستقیماً در اختیار داشته باشد.
 - ب) شش درصد (۶٪) مبلغ ناخالص سود سهام در تمام موارد دیگر.این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می شود نخواهد داشت.
- ۳- اصطلاح «سود سهام» به کار رفته در این ماده اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسين یا سایر حقوق به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می گردد.
- ۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دایم واقع در آن به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با این مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای

(۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت مقررات مواد (۷) یا (۱۵)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقر دایم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱

هزینه‌های مالی

- ۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.
- ۲- معذالک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (۰.۵٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.
- ۳- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به‌کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.
- ۴- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که توسط دولت متعاقد دیگر، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانک

مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، کسب می‌شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقرر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مربوط به این مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۵) مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، تقسیمات فرعی سیاسی، مقام محلی، یا مقیم آن دولت باشد. معذالک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقرر دایم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاقد محل وقوع مقرر دایم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطهای خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲

حق الامتیازها

- ۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.
- ۲- معذالک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد مالیات متعلقه بیش از پنج درصد (۵٪) در صد مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.
- ۳- اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، ترکیب ساخت (فرمول) یا فرآیند سری یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.
- ۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دایم فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به‌طور مؤثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در اینصورت، حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۵) مجری خواهد بود.
- ۵- حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، تقسیمات فرعی سیاسی، مقامی محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. معذالک در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال مورد حق الامتیاز به‌نحوی مؤثر با آن مقر دایم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت حق الامتیاز بر عهده مقر دایم یا پایگاه ثابت

مذکور باشد، حق الامتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقرر
دایم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا
بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن
استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتیاز پرداخت می‌شود، از
مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع
توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری
خواهد بود. در اینگونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از
دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی
خواهد ماند.

ماده ۱۳

حق الزحمه خدمات فنی

۱- حق الزحمه خدمات فنی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت
متعاهد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.
۲- معذک، این حق الزحمه خدمات فنی ممکن است در دولت متعاهدی که
حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ولی چنانچه دریافت
کننده، مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی و مقیم دولت متعاهد دیگر باشد،
مالیات متعلقه بیش از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق الزحمه خدمات فنی
نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الزحمه خدمات فنی» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر
نوع وجوه پرداختی، غیر از موارد مذکور در مواد (۱۲)، (۱۵)، و (۱۶) این
موافقتنامه، در ازای خدمات مدیریتی یا فنی یا مشاوره‌های از جمله ارائه خدمات
کارکنان فنی یا سایر کارکنان اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در
دولت متعاهد دیگر که حق الزحمه خدمات فنی حاصل می‌شود از طریق مقرر دایم
واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت متعاهد دیگر از پایگاه ثابت
واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و تعهدی که حق الزحمه خدمات

فنی بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر با مقر دایم یا پایگاه ثابت مزبور مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) مجری خواهد بود.

- ۵

الف) حق‌الزحمه خدمات فنی در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، تقسیمات فرعی سیاسی، مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. معذک، در صورتی که شخص پرداخت کننده حق‌الزحمه خدمات فنی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابتی باشد که تعهد پرداخت حق‌الزحمه خدمات فنی مرتبط با آن بوده و پرداخت این حق‌الزحمه خدمات فنی بر عهده آن مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت حق‌الزحمه خدمات فنی مزبور در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دایم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

ب) در صورتی که حسب جزء الف) حق‌الزحمه خدمات فنی در یکی از دولتهای متعاقد حاصل نشده باشد و حق‌الزحمه خدمات فنی مرتبط با خدمات انجام شده در یکی از دولتهای متعاقد باشد، چنین تلقی خواهد شد که حق‌الزحمه خدمات فنی در آن دولت متعاقد حاصل شده است.

۶- در صورتی که به دلیل وجود رابطه‌ای خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ حق‌الزحمه خدمات فنی پرداختی از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر دولت متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۴

عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دایم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دایم (به‌تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتی‌ها، قایق‌ها یا وسایل نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، قایق‌ها یا وسایل نقلیه هوایی، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارایی آن به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۵ - عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۵

خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های دارای ماهیت مستقل، فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه:

الف) این شخص به منظور انجام فعالیت‌های خود به‌طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

ب) جمع مدتی که این شخص در یک یا چند دوره در دولت متعاقد دیگر بسر برده در هر دوره دوازده ماهه که در سال مالی مربوطه شروع یا پایان یافته برابر یا بیشتر از ۱۸۳ روز باشد؛ در اینصورت، این درآمد فقط تا حدودی که حاصل از انجام فعالیت وی در آن دولت متعاقد دیگر باشد، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، کارشناسان، وکلای دادگستری، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۶

خدمات شخصی غیر مستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۷)، (۱۹)، (۲۰) و (۲۱) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود چنانچه استخدام بدین گونه باشد حق‌الزحمه حاصل از آن می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف) جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در آن دولت متعاقد دیگر بسر برده است از (۱۸۳) روز، در هر دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند؛ و

ب) حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم آن دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود؛ و

پ) پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقرر دایم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یاد شده در این ماده، حق‌الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد در زمینه استخدام در کشتی، قایق یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

ماده ۱۷

حق‌الزحمه مدیران

حق‌الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

ماده ۱۸

هنرمندان و ورزشکاران

۱ - درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تأثر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقی‌دان یا به‌عنوان ورزشکار بابت انجام فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۵) و (۱۶) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲ - در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد علیرغم مقررات مواد (۷)، (۱۵) و (۱۶) مشمول مالیات دولت متعاهدی می شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گردد.

۳ - درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت انجام فعالیتهای در چارچوب موافقتنامه فرهنگی یا ورزشی میان دو دولت متعاهد تحصیل می نماید از شمول بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می باشد.

ماده ۱۹

حقوق بازنشستگی

۱ - با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۲۰)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۲ - معهدا حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه، مشروط بر آنکه پرداخت توسط مقیم آن دولت دیگر یا مقرر دایم واقع در آن دولت صورت گیرد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر نیز می شود.

۳ - علی رغم مقررات بند (۱)، حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به موجب طرحهای عمومی که قسمتی از نظام تأمین اجتماعی یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن است، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

ماده ۲۰

خدمات دولتی

۱ - حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه پرداختی، به جز حقوق بازنشستگی، توسط یک دولت متعاهد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیمات فرعی یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

معدالک، در صورتی که خدمات در آن دولت دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص:

الف) تبعه آن دولت متعاقد دیگر بوده، یا

ب) صرفاً برای ارایه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد و یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت، تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به فردی در خصوص خدماتی که برای آن دولت یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی مزبور انجام داده است فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود. معدالک، در صورتی که شخص حقیقی مقیم و تبعه دولت متعاقد دیگر باشد حقوق مزبور صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۳- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه و مقرری‌های بازنشستگی پرداختی در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۶)، (۱۷)، (۱۸) و (۱۹) مجری خواهد بود.

ماده ۲۱

محصلین، مدرسین و محققین

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که مقیم یک دولت متعاقد باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر بسر می‌برد، برای مناجارح زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین، حق‌الزحمه دریافتی توسط مدرس یا محقق که مقیم یک دولت متعاقد بوده و به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی و فرهنگی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد دیگر بسر می‌برد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

این بند در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات چنانچه تحقیقات مزبور برای اشخاص و مؤسساتی انجام شود که دارای اهداف تجاری می‌باشند، مجری نخواهد بود.

۳- محصل یا کارآموز مذکور در بند (۱)، در خصوص اعطای فرصتها و راتبه‌های تحصیلی و حقوق دریافتی بابت استخدامی که مشمول بند (۱) قرار نمی‌گیرد، در طول دوران تحصیل یا کارآموزی خود همچنین از همان معافیتها، بخشودگی‌ها یا تخفیف مالیاتی مقرر برای مقیمین دولت متعاقد محل عزیمت خود برخوردار خواهد بود.

ماده ۲۲

سایر درآمدها

۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد مزبور، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقرر دایم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن حاصل شده است با این مقرر دایم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت، حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۳

سرمایه

۱- سرمایه متشکل از اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع شده، می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دایمی که مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد می‌باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتی‌ها، قایق‌ها و وسایل نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، قایق‌ها و وسایل نقلیه هوایی فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه مزبور در آن واقع است.

۴- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۴

آیین حذف مالیات مضاعف

۱- در جمهوری اسلامی ایران مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد شد:
الف) در صورتی که مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمد یا عواید سرمایه‌ای حاصل کند و یا سرمایه‌ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت جمهوری غنا شود، دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد: (۱) مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در جمهوری غنا از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

(۲) مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه و یا عواید سرمایه‌ای پرداختی در جمهوری غنا از مالیات بر سرمایه و یا عواید سرمایه‌ای آن مقیم کسر شود.
معذالک در هر یک از دو مورد، اینگونه کسور نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد، سرمایه و یا عواید سرمایه‌ای تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

ب) در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم جمهوری اسلامی ایران از مالیات ایران معاف باشد، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقیمانده درآمد یا

سرمایه و یا عواید سرمایهای این مقیم، درآمد، سرمایه و یا عواید سرمایه‌ای معاف شده را منظور کند.

۲- در جمهوری غنا مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد شد:

الف) مالیات پرداختنی در ایران طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و مطابق با مقررات این موافقتنامه، خواه به طور مستقیم (از طریق تشخیص) یا از طریق کسر (تکلیفی)، نسبت به درآمد، منافع یا عواید مشمول مالیات از منابع جمهوری اسلامی ایران (در مورد سود سهام، به استثنای مالیات پرداختنی بابت درآمدهایی که سود سهام از ناحیه آن پرداخت می‌شود) به عنوان اعتباری در برابر مالیات غنا بابت همان درآمدها، منافع یا عواید مشمول مالیات مزبور پذیرفته خواهد شد که مالیات ایران بابت آنها محاسبه شده است؛

ب) در مورد سود سهام پرداختنی توسط شرکت مقیم جمهوری اسلامی ایران به شرکت مقیم غنا که حداقل و به طور مستقیم پایش (کنترل) بیست و پنج درصد (۲۵٪) از سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را در اختیار دارد، در محاسبه اعتبار مزبور (علاوه بر هرگونه مالیات ایران که بابت آن اعتبار مطابق مفاد جزءهای بند (۱) پذیرفته شده) مالیات پرداختنی در ایران توسط شرکت بابت درآمدهایی که سود سهام از ناحیه آن پرداخت می‌شود منظور می‌گردد؛

پ) در هر صورت، مبلغ اعتبار مالیاتی قابل اعطا طبق این بند از سهم مالیات غنا که درآمدها، منافع یا عواید مشمول مالیات مزبور حسب مورد از کل درآمدها، منافع یا عواید مشمول مالیات غنا دارند تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۲۵

عدم تسبیض

۱ - اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین‌تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط به ویژه از حیث اقامت مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقرر دایم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاهد دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد.

۳- مؤسسات یک دولت متعاهد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در مالکیت یا در پایش (کنترل) یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین‌تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱)، یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق‌الامتياز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر از لحاظ تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

۵- این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاهد دیگر نیز اعطاء کند.

ماده ۲۶

آیین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف‌نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین داخلی دولتهای مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۵) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض

باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بباید ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. هرگونه توافق حاصله صرفنظر از هرگونه محدودیت زمانی در قانون داخلی دولتهای متعاقد مجری خواهد بود.

۳- مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد تلاش خواهند کرد که تمامی مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دو جانبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد می‌توانند به منظور توسعه آیین‌ها، شرایط، روش‌ها و فنون مقتضی برای اجرای آیین توافق دو جانبه مندرج در این ماده و حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً یا از طریق کمیسیون مشترک متشکل از نمایندگان خویش با یکدیگر ارتباط حاصل کنند.

ماده ۲۷

تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی دولتهای متعاقد غیر مغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود.

۲- هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که تحت قوانین داخلی آن دولت اطلاعات بدست آمده به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که با امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگیری ارتباط دارند یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

۳ - مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف) اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید؛

ب) اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست؛

پ) اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

۴- با رعایت محدودیتهای مذکور در بند (۳) فوق‌الذکر، هرگاه اطلاعات توسط یک دولت متعاقد مطابق این ماده درخواست شود، دولت متعاقد دیگر باید تدابیر جمع‌آوری اطلاعات خود را به منظور تحصیل اطلاعات درخواستی مزبور به‌کار گیرد.

ماده ۲۸

اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالیاتی اعضای هیئت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۹

لازم‌الاجراء شدن

هر یک از دولت‌های متعاقد طرف دیگر را از طریق مجاری سیاسی از تکمیل مراحل مقرر در قوانین خود جهت لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه مطلع خواهد نمود. این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن در مورد آن قسمت از درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا بعد از آن حاصل می‌شود یا موجود است به مورد اجراء گذارده خواهد شد.

ماده ۳۰

فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ نشده لازم الاجراء خواهد بود. هر یک از دولتهای متعاقد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارایه یادداشت فسخ حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجراء می‌گردد فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در مورد آن قسمت از درآمد، سرمایه و عواید سرمایه‌ای که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت فسخ تسلیم شده است یا بعد از آن موجود باشد یا حاصل شود، اعمال نخواهد شد. این موافقتنامه در آکرا در دو نسخه در تاریخ ۲۵/ ۰۸/ ۱۳۹۶ هجری شمسی برابر با ۱۶/ ۱۱/ ۲۰۱۷ میلادی به زبانهای فارسی و انگلیسی تنظیم گردید که هر دو متن از اعتبار یکسان برخوردار است.

برای گواهی مراتب بالا، امضاکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به‌طور مقتضی مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضا نمودند.

از طرف دولت
جمهوری غنا


از طرف دولت
جمهوری اسلامی ایران

کن افوری اتا
وزیر دارایی

محمود حجتی
وزیر جهاد کشاورزی

لایحه فوق‌الذکر مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و سی ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ دهم بهمن ماه یکهزار و چهارصد مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

محمدباقر قالیباف



d) the term "company" means any body corporate or any entity which is treated as a body corporate for tax purposes;

e) the term "registered office" means head office registered under the relevant laws of either Contracting State.

f) the terms "enterprise of a Contracting State" and "enterprise of the other Contracting State" mean respectively an enterprise carried on by a resident of a Contracting State and an enterprise carried on by a resident of the other Contracting State;

g) the term "international traffic" means any transport by a ship, boat or aircraft operated by an enterprise which has its place of effective management in a Contracting State, except when the ship, boat or aircraft is operated solely between the places situated in one of the Contracting States;

h) the term "national" means:

- (i) any individual possessing the nationality of a Contracting State, and
- (ii) any legal person or association deriving its status as such from the laws in force in a Contracting State.

i) the term "competent authority" means:

- (i) in the case of the Islamic Republic of Iran, the Minister of Economic Affairs and Finance or his authorized representative;
- (ii) in the case of the Republic of Ghana, the Commissioner General of the Ghana Revenue Authority or his authorized representative.

3. As regards the application of the Agreement by a Contracting State, any term not defined herein shall, unless the context otherwise requires, have the meaning which it has under the laws of that State concerning the taxes to which the Agreement applies and that meaning shall prevail over a meaning given to the term under other laws of the respective Contracting State.

دفتر هیئت دولت

Article 4 RESIDENT

1. For the purposes of this Agreement, the term "resident of a Contracting State" means any person who under the laws of that State is liable to tax therein by reason of his residence, domicile, place of registration, place of management or any other criterion of a similar nature, and also includes that State and any political subdivision or any local authority thereof. This term, however, does not include any person who is liable to tax in that State in respect only of income, capital or capital gains from sources in that State or capital situated therein.

2. Where by reason of the provisions of paragraph 1 of this Article an individual is a resident of both Contracting States, then his status shall be determined as follows:

a) he shall be deemed to be a resident only of the State in which he has a permanent home available to him. If he has a permanent home available to him in both States, he shall be deemed to be a resident only of the State with which his personal and economic relations are closer (centre of vital interests);

b) if the State in which he has his centre of vital interests cannot be determined, or if he has not a permanent home available to him in either State, he shall be deemed to be a resident only of the Contracting State in which he has an habitual abode;

c) if he has an habitual abode in both Contracting States or in neither of them, he shall be deemed to be a resident only of the State of which he is a national;

d) if he is a national of neither of the States and if under the previous paragraphs, he may not be deemed a resident of one of the Contracting States, then the competent authorities of the Contracting States shall settle the question by mutual agreement.

3. Where, a person other than an individual is a resident of both Contracting States, then it shall be deemed to be a resident of the State in which its place of effective management is situated.

دفتر هیئت دولت

Article 5 PERMANENT ESTABLISHMENT

1. For the purposes of this Agreement the term "permanent establishment" means a fixed place of business through which the business of an enterprise is wholly or partly carried on.

2. The term "permanent establishment" includes especially:

- a) a place of management;
- b) a branch;
- c) an office;
- d) a factory;
- e) a workshop;
- f) a mine, an oil or gas well, a quarry or any other place of exploration, exploitation and/or extraction of natural resources.

3. A building site, a construction, assembly or installation project or supervisory activities in connection therewith, constitutes a "permanent establishment" but only where such site, project or activities continue for a period of more than 6 months.

4. Notwithstanding the preceding provisions of this Article, the following activities of an enterprise of a Contracting State in the other Contracting State shall be deemed not to be treated as carrying on through the permanent establishment:

- a) the use of facilities solely for the purpose of storage or display of goods or merchandise belonging to the enterprise;
- b) the maintenance of a stock of goods or merchandise belonging to the enterprise solely for the purpose of storage or display;
- c) the maintenance of a stock of goods or merchandise belonging to the enterprise solely for the purpose of processing by another enterprise;

دفتر هیئت دولت

d) the maintenance of a fixed place of business solely for the purpose of purchasing goods or merchandise, or of collecting information, for the enterprise;

e) the maintenance of a fixed place of business solely for the purpose of advertising, supply of information, or scientific research, for that enterprise and/or carrying on any other activity of a preparatory or auxiliary character;

f) the maintenance of a fixed place of business solely for any combination of activities mentioned in sub-paragraphs a) to e) provided that the overall activity of the fixed place of business resulting from this combination is of a preparatory or auxiliary character.

5. Notwithstanding the provisions of paragraphs 1 and 2, where a person (other than an agent of an independent status to whom paragraph 6 applies) is acting in a Contracting State on behalf of an enterprise and has and habitually exercises in a Contracting State an authority to conclude contracts in the name of the enterprise, that enterprise shall be deemed to have a permanent establishment in that State in respect of any activities which that person undertakes for the enterprise unless the activities of such a person are limited to those mentioned in paragraph 4 which, if exercised through a fixed place of business would not make this fixed place of business a permanent establishment under the provisions of that paragraph.

6. An enterprise of a Contracting State shall not be deemed to have a permanent establishment in the other Contracting State merely because it carries on business in that other State through a broker, general commission agent or any other agent of an independent status, where such persons are acting in the ordinary course of their business.

However, when the activities of such an agent are devoted wholly or almost wholly on behalf of that enterprise, he shall not be considered an agent of an independent status if the transactions between the agent and the enterprise were not made under arm's length conditions.

7. The fact that a company which is a resident of a Contracting State controls or is controlled by a company which is a resident of the other

دفتر هیئت دولت

Contracting State, or which carries on business in that other State (whether through a permanent establishment or otherwise), shall not of itself constitute either company a permanent establishment of the other.

Article 6 INCOME FROM IMMOVABLE PROPERTY

1. Income derived by a resident of a Contracting State from immovable property (including income from agriculture or forestry) situated in the other Contracting State may be taxed in that other State.

2. The term "immovable property" shall have the meaning which it has under the laws of the Contracting State in which the property in question is situated. The term shall in any case include property accessory to immovable property, livestock and equipment used in agriculture and forestry, rights to which the provisions of general law respecting landed property apply, usufruct of immovable property and rights to variable or fixed payments as consideration for the working of, or the right to work, mineral deposits, sources and other natural resources, including oil, gas and quarries. Ships, boats and aircraft shall not be regarded as immovable property.

3. The provisions of this Article shall apply to income derived from the direct use, letting, or use in any other form of immovable property.

4. The provisions of paragraphs 1 and 3 of this Article shall also apply to the income from immovable property of an enterprise and to the income from immovable property used for the performance of independent personal services.

Article 7 BUSINESS PROFITS

1. The profits of an enterprise of a Contracting State shall be taxable only in that State unless the enterprise carries on business in the other Contracting State through a permanent establishment situated therein.

دفتر هیئت دولت

If the enterprise carries on business as aforesaid, the profits of the enterprise may be taxed in the other Contracting State but only so much of them as is attributable to that permanent establishment.

2. Subject to the provisions of paragraph 3 of this Article, where an enterprise of a Contracting State carries on business in the other Contracting State through a permanent establishment situated therein, there shall in each Contracting State be attributed to that permanent establishment the profits which it might be expected to make if it were a distinct and separate enterprise engaged in the same or similar activities, under the same or similar conditions and dealing wholly independently with the enterprise of which it is a permanent establishment.

3. In determining the profits of a permanent establishment, there shall be allowed as deductions expenses which are reasonably incurred for the purposes of the business of the permanent establishment, including executive and general administrative expenses, in so far as they are incurred for the purposes of the permanent establishment, whether incurred in the State in which the permanent establishment is situated or elsewhere. However, no such deduction shall be allowed in respect of amounts, if any, paid (otherwise than towards reimbursement of actual expenses) by the permanent establishment to the head office of the enterprise or any of its other offices, by way of royalties, fees or other similar payments in return for the use of patents or other rights, or by way of commission for specific services performed or for management, or except in the case of a banking enterprise, by way of interest on moneys lent to the permanent establishment. Likewise, no account shall be taken, in the determination of the profits of a permanent establishment, for amounts charged (otherwise than towards reimbursement of actual expenses) by the permanent establishment to the head office of the enterprise or any of its other offices, by way of royalties, fees or other similar payments in return for the use of patents or other rights, or by way of commission for specific services performed or for management, or except in the case of a banking enterprise, by way of interest on moneys lent to the head office of the enterprise or any of its other offices.

4. In so far as it has been customary in a Contracting State to determine the profits to be attributed to a permanent establishment on the basis of

دفتر هیئت دولت

an apportionment of the total profits of the enterprise to its various parts, nothing in paragraph 2 shall preclude that Contracting State from determining the profits to be taxed by such an apportionment as may be customary. The method of apportionment adopted shall, however, be such that the result shall be in accordance with the principles embodied in this Article.

5. No profits shall be attributed to a permanent establishment by reason of the mere purchase by that permanent establishment of goods or merchandise for the enterprise.

6. The profits to be attributed to the permanent establishment shall be determined by the same method year by year unless there is good and sufficient reason to the contrary.

7. Where profits include items of income which are dealt with separately in other Articles of this Agreement, then the provisions of those Articles shall not be affected by the provisions of this Article.

Article 8

INTERNATIONAL TRAFFIC

1. Profits derived by an enterprise of a Contracting State from the operation of ships, boats or aircraft in international traffic shall be taxable only in the Contracting State in which the place of effective management of the enterprise is situated. Those profits shall include profits derived by the enterprise from the use, maintenance or rental of containers used for the transport of goods or merchandise in international traffic where such use, maintenance or rental, as the case maybe, are incidental to the operation of ships or aircraft in international traffic.

2. If the place of effective management of a shipping enterprise is aboard a ship, then it shall be deemed to be situated in the Contracting State in which the home harbor of the ship is situated or, if there is no such home harbor, in the Contracting State of which the operator of the ship is a resident.

3. The provisions of paragraph 1 shall also apply to profits from the participation in a pool, a joint business or an international operating

دفتر هیئت دولت

agency, but only to so much of the profit so derived as is attributable to the participant in proportion to its share in the joint operation.

Article 9 ASSOCIATED ENTERPRISES

1. Where

- a) an enterprise of a Contracting State participates directly or indirectly in the management, control or capital of an enterprise of the other Contracting State, or
- b) the same persons participate directly or indirectly in the management, control or capital of an enterprise of a Contracting State and an enterprise of the other Contracting State,

and in either case conditions are made or imposed between the two enterprises in their commercial or financial relations which differ from those which would be made between independent enterprises, then any profits which would have accrued to one of the enterprises, but, by reason of those conditions have not so accrued, may be included in the profits of that enterprise and taxed accordingly.

2. Where a Contracting State includes in the profits of an enterprise of that State - and taxes accordingly - profits on which an enterprise of the other Contracting State has been charged to tax in that other Contracting State and the profits so included are profits which would have accrued to the enterprise of the first-mentioned State if the conditions made between the two enterprises had been those which would have been made between independent enterprises, then that other Contracting State shall make an appropriate adjustment to the amount of the tax charged therein on those profits. In determining such adjustment due regard shall be had to the other provisions of this Agreement and the competent authorities of the Contracting States shall, if necessary, consult each other.

دفتر هیئت دولت

Article 10 DIVIDENDS

1. Dividends paid by a company which is a resident of a Contracting State to a resident of the other Contracting State may be taxed in that other Contracting State.

2. However, such dividends may also be taxed in the Contracting State of which the company paying the dividends is a resident and according to the laws of that State, but if the recipient is the resident of the other Contracting State and the beneficial owner of the dividends, the tax so charged shall not exceed:

a) 5 per cent of the gross amount of the dividends if the beneficial owner is a company (other than a partnership) which holds directly at least 10 per cent of the capital of the company paying the dividends;

b) 0 per cent of the gross amount of the dividends in all other cases.

This paragraph shall not affect the taxation of the company in respect of the profits out of which the dividends are paid.

3. The term "dividends" as used in this Article means income from shares, "jouissance" shares or "jouissance" rights, founders' shares, or other rights not being debt-claims, participating in profits, as well as income from other corporate rights which is subjected to the same taxation treatment as income from shares by the laws of the State of which the company making the distribution is a resident.

4. The provisions of paragraphs 1 and 2 shall not apply if the beneficial owner of the dividends, being a resident of a Contracting State, carries on business in the other Contracting State of which the company paying the dividends is a resident, through a permanent establishment situated therein, or performs in that other Contracting State independent personal services from a fixed base situated therein, and the holding in respect of which the dividends are paid is effectively connected with such permanent establishment or fixed base. In such case, the provisions of Article 7 or Article 15, as the case may be, shall apply.

دفتر هدئت دولت

5. Where a company which is a resident of a Contracting State derives profits or income from the other Contracting State, that other Contracting State may not impose any tax on the dividends paid by the company, except in so far as such dividends are paid to a resident of that other Contracting State or in so far as the holding in respect of which the dividends are paid is effectively connected with a permanent establishment or a fixed base situated in that other Contracting State, nor subject the company's undistributed profits to a tax on the company's undistributed profits, even if the dividends paid on the undistributed profits consist wholly or partly of profits or income arising in such other Contracting State.

Article 11 INTEREST

1. Interest arising in a Contracting State and paid to a resident of the other Contracting State may be taxed in that other Contracting State.
2. However, such interest may also be taxed in the Contracting State in which it arises and according to the laws of that State, but if the recipient is a resident of the other Contracting State and the beneficial owner of the interest, the tax so charged shall not exceed 5 per cent of the gross amount of the interest.
3. The term "interest" as used in this Article means income from debt-claims of every kind, whether or not secured by mortgage, and whether or not carrying a right to participate in the debtor's profits, and in particular, income from government securities and income from bonds or debentures, including premiums and prizes attaching to such securities, bonds or debentures. Penalty charges for late payment shall not be regarded as interest for the purpose of this Article.
4. Notwithstanding the provisions of paragraph 2, interest arising in a Contracting State and derived by the other Contracting State, ministries, other Governmental institutions, municipalities, Central Bank and other banks wholly owned by the other Contracting State, shall be exempted from tax in the first-mentioned State.

دفتر هیئت دولت

5. The provisions of paragraphs 1 and 2 shall not apply if the beneficial owner of the interest, being a resident of a Contracting State, carries on business in the other Contracting State in which the interest arises through a permanent establishment situated therein, or performs in that other Contracting State independent personal services from a fixed base situated therein, and the debt-claim in respect of which the interest is paid is effectively connected with such permanent establishment or fixed base. In such case, the provisions of Article 7 or Article 15, as the case may be, shall apply.

6. Interest shall be deemed to arise in a Contracting State when the payer is that State itself, a political subdivision, a local authority or a resident of that State. Where, however, the person paying the interest, whether he is a resident of a Contracting State or not, has in a Contracting State a permanent establishment or a fixed base, in connection with which the indebtedness on which the interest is paid, and such interest is borne by such a permanent establishment or fixed base, then such interest shall be deemed to arise in the Contracting State in which the permanent establishment or fixed base is situated.

7. Where by reason of a special relationship between the payer and the beneficial owner or between both of them and some other person, the amount of the interest, having regard to the debt-claim for which it is paid, exceeds the amount which would have been agreed upon by the payer and the beneficial owner in the absence of such relationship, the provisions of this Article shall apply only to the last-mentioned amount. In such case, the excess part of the payments shall remain taxable according to the laws of each Contracting State, due regard being had to the other provisions of this Agreement.

Article 12 ROYALTIES

1. Royalties arising in a Contracting State and paid to a resident of the other Contracting State may be taxed in that other Contracting State,

2. However, such royalties may also be taxed in the Contracting State in which they arise, and according to the laws of that State, but if the

دفتر هیئت دولت

recipient is the beneficial owner of the royalties, the tax so charged shall not exceed 5 per cent of the gross amount of the royalties.

3. The term "royalties" as used in this Article means payments, of any kind received as a consideration for the use of or the right to use, any copyright of literary, artistic or scientific work including cinematographic films and recordings for radio and television, any patent, trade mark, design or model, plan, secret formula or process, or for information concerning industrial, commercial or scientific experience or for the use of, or the right to use, industrial, commercial or scientific equipment.

4. The provisions of paragraphs 1 and 2 shall not apply if the beneficial owner of the royalties, being a resident of a Contracting State, carries on business in the other Contracting State in which the royalties arise through a permanent establishment situated therein, or performs in that other Contracting State independent personal services from a fixed base situated therein, and the right or property in respect of which the royalties are paid is effectively connected with such permanent establishment or fixed base. In such case, the provisions of Article 7 or Article 13, as the case may be, shall apply.

5. Royalties shall be deemed to arise in a Contracting State when the payer is that State itself, a political subdivision, a local authority or a resident of that State. Where, however, the person paying the royalties, whether he is a resident of a Contracting State or not, has in a Contracting State a permanent establishment or a fixed base in connection with which the right or property giving rise to the royalties is effectively connected, and such royalties are borne by such permanent establishment or fixed base, then such royalties shall be deemed to arise in the Contracting State in which the permanent establishment or fixed base is situated.

6. Where, by reason of a special relationship between the payer and the beneficial owner or between both of them and some other person, the amount of the royalties paid, having regard to the use, right to use or information for which they are paid, exceeds the amount which would have been agreed upon by the payer and the beneficial owner in the absence of such a relationship, the provisions of this Article shall apply only to the last-mentioned amount. In such case, the excess part of the

دفتر هیئت دولت

payments shall remain taxable according to the laws of each Contracting State, with due regard to the other provisions of this Agreement.

Article 13 FEES FOR TECHNICAL SERVICES

1. Fees for technical services arising in a Contracting State and paid to a resident of the other Contracting State may be taxed in that other Contracting State.

2. However, such fees for technical services may also be taxed in the Contracting State in which they arise, and according to the laws of that State, but if the recipient is the beneficial owner of the fees for technical services and is a resident of the other Contracting State, the tax so charged shall not exceed 10 per cent of the gross amount of the fees for technical services.

3. The term "fees for technical services" as used in this Article means payments of any kind, other than those mentioned in Articles 12, 15, and 16 of this Agreement, as consideration for managerial or technical or consultancy services, including the provision of services of technical or other personnel.

4. The provisions of paragraphs 1 and 2 shall not apply if the beneficial owner of the fees for technical services, being a resident of a Contracting State, carries on business in the other Contracting State in which the fees for technical services arise, through a permanent establishment situated therein, or performs in that other Contracting State independent personal services from a fixed base situated therein, and the obligation in respect of which the fees for technical services are paid is effectively connected with such permanent establishment or fixed base. In such case, the provisions of Article 7 or Article 15, as the case may be, shall apply.

5. Fees for technical services shall be deemed to arise in a Contracting State when the payer is that State itself, a political subdivision, a local authority or a resident of that State. Where,

دفتر هیئت دولت

however, the person paying the fees for technical services, whether he is a resident of a Contracting State or not, has in a Contracting State a permanent establishment or a fixed base in connection with which the obligation to pay the fees for technical services was incurred, and such fees for technical services are borne by such permanent establishment or fixed base, then such fees for technical services shall be deemed to arise in the Contracting State in which the permanent establishment or fixed base is situated.

b) Where under sub-paragraph a) fees for technical services do not arise in one of the Contracting States, and the fees for technical services relate to services performed in one of the Contracting States, the fees for technical services shall be deemed to arise in that Contracting State.

6. Where, by reason of a special relationship between the payer and the beneficial owner or between both of them and some other person, the amount of the fees for technical services paid, exceeds the amount which would have been agreed upon by the payer and the beneficial owner in the absence of such relationship, the provisions of this Article shall apply only to the last-mentioned amount. In such case, the excess part of the payments shall remain taxable according to the laws of each Contracting State, due regard being had to the other provisions of this Agreement.

Article 14 CAPITAL GAINS

1. Gains derived by a resident of a Contracting State from the alienation of immovable property referred to in Article 6 and situated in the other Contracting State may be taxed in that other Contracting State.

2. Gains from the alienation of movable property forming part of the business property of a permanent establishment which an enterprise of a Contracting State has in the other Contracting State or of movable property pertaining to a fixed base available to a resident of a Contracting State in the other Contracting State for the purpose of performing independent personal services, including such gains from the alienation of such a permanent establishment (alone or with the

دفتر هیئت دولت

whole enterprise) or of such fixed base, may be taxed in that other Contracting State.

3. Gains derived by an enterprise of a Contracting State from the alienation of ships, boats or aircraft operated in international traffic or movable property pertaining to the operation of such ships, boats or aircraft shall be taxable only in the Contracting State in which the place of effective management of the enterprise is situated.

4. Gains derived by a resident of a Contracting State from the alienation of shares or other corporate rights in a company the assets of which directly or indirectly consist mainly of immovable property situated in the other Contracting State may be taxed in that other Contracting State.

5. Gains from the alienation of any property other than that referred to in paragraphs 1, 2, 3 and 4 shall be taxable only in the Contracting State of which the alienator is a resident.

Article 15

INDEPENDENT PERSONAL SERVICES

1. Income derived by a resident of a Contracting State in respect of professional services or other activities of an independent character shall be taxable only in that State unless:

a) he has a fixed base regularly available to him in the other Contracting State for the purpose of performing his activities. If he has such a fixed base, the income may be taxed in the other Contracting State but only so much of it as is attributable to that fixed base;

b) his stay in the other Contracting State is for a period or periods amounting to or exceeding in the aggregate 183 days in any twelve month period commencing or ending in the fiscal year concerned; in that case, only so much of the income as is derived from his activities performed in that other Contracting State may be taxed in that other State.

دفتر هیئت دولت

2. The term "professional services" includes especially independent scientific, literary, artistic, educational or teaching activities as well as the independent activities of physicians, engineers, experts, lawyers, architects, dentists, and accountants.

Article 16 DEPENDENT PERSONAL SERVICES

1. Subject to the provisions of Articles 17, 19, 20 and 21 of this Agreement, salaries, wages and other similar remuneration derived by a resident of a Contracting State in respect of an employment shall be taxable only in that state unless the employment is done in the other Contracting State. If the employment is so done, such remuneration as is derived therefrom may be taxed in that other Contracting State.

2. Notwithstanding the provisions of paragraph 1, remuneration derived by a resident of a Contracting State in respect of an employment exercised in the other Contracting State shall be taxable only in the first-mentioned State, if:

a) the recipient is present in that other Contracting State for a period or periods not exceeding in the aggregate 183 days in any twelve month period commencing or ending in the fiscal year concerned; and

b) the remuneration is paid by, or on behalf of, an employer who is not a resident of that other Contracting State; and

c) the remuneration is not borne by a permanent establishment or a fixed base which the employer has in the other Contracting State.

3. Notwithstanding the preceding provisions of this Article, remuneration paid by an enterprise of a Contracting State in respect of an employment exercised aboard a ship, boat or aircraft operated in international traffic, may be taxed in the Contracting State in which the place of effective management of the enterprise is situated.

دفتر هیئت دولت

Article 17 DIRECTORS' FEES

Directors' fees and other similar payments derived by a resident of a Contracting State in his capacity as a member of the board of directors of a company which is a resident of the other Contracting State may be taxed in that other Contracting State.

Article 18 ARTISTES AND SPORTSMEN

1. Notwithstanding the provisions of Articles 15 and 16, income derived by a resident of a Contracting State as an entertainer, such as a theater, motion picture, radio or television artiste, or a musician, or as a sportsman from his personal activities as such exercised in the other Contracting State, may be taxed in that other Contracting State.

2. Where income in respect of personal activities exercised by an entertainer or a sportsman in his capacity as such accrues not to the entertainer or sportsman himself but to another person, that income may, notwithstanding the provisions of Articles 7, 15 and 16, be taxed in the Contracting State in which the activities of the entertainer or sportsman are exercised.

3. The provisions of paragraphs 1 and 2 shall not apply to income derived by an entertainer or a sportsman from the activities performed within the framework of a cultural and or sports agreement concluded between the Contracting States.

Article 19 PENSIONS

1. Subject to the provisions of paragraph 2 of Article 20, pensions and other similar remuneration paid to a resident of a Contracting State in consideration of past employment shall be taxed only in that Contracting State.

دفتر هیئت دولت

2. However, such pensions and other similar remuneration may also be taxed in the other Contracting State if the payment is made by a resident of that other State or a permanent establishment situated therein.

3. Notwithstanding the provisions of paragraph 1, pensions paid and other payments made under public schemes, which are part of the social security system of a Contracting State or a local authority thereof, shall be taxable only in that Contracting State.

Article 20 GOVERNMENT SERVICE

1. Salaries, wages and other similar remuneration, other than a pension, paid by a Contracting State or a political subdivision or a local authority thereof to an individual in respect of services rendered to that State or subdivision or local authority shall be taxable only in that Contracting State.

However, such salaries, wages and other similar remuneration shall be taxable only in the other Contracting State if the services are rendered in that other State by an individual who is a resident of that State provided that he:

- a) is a national of that other Contracting State, or
- b) did not become a resident of that State solely for the purpose of rendering the services.

2. Any pension paid by, or out of funds created by, a Contracting State, a political subdivision or a local authority thereof to an individual in respect of services rendered to that State or subdivision or local authority shall be taxable only in that Contracting State. However, such pension shall be taxable only in the other Contracting State if the individual is a resident of, and a national of, that state.

3. The provisions of Articles 16, 17, 18 and 19 shall apply to salaries, wages and other similar remuneration and pensions paid in connection

دفتر هیئت دولت

with a business carried on by a Contracting State or a political subdivision or a local authority thereof.

Article 21

STUDENTS, TEACHERS AND RESEARCHERS

1. Payments which a student or business apprentice who is a resident of a Contracting State and who is present in the other Contracting State solely for the purpose of his education or training receives for the purpose of his maintenance, education or training shall not be taxed in that other Contracting State, provided that such payments arise from sources outside that other State.

2. Likewise, remuneration received by a teacher or by a researcher who is a resident of a Contracting State and who is present in the other Contracting State for the purpose of teaching or engaging in scientific and cultural research for a period or periods not exceeding two years shall be exempted from tax in that other Contracting State, provided that such payments arise from sources outside that other State.

This paragraph shall not apply to remuneration and income from research if such research is undertaken for persons and enterprises with business purposes.

3. In respect of grants, scholarships and remuneration from employment not covered by paragraph 1, a student or business apprentice referred to in paragraph 1 shall, in addition, be entitled during such education or training to the same exemption, reliefs or reductions in respect of taxes available to residents of the Contracting State which he is visiting.

Article 22

OTHER INCOME

1. Items of income of a resident of a Contracting State, wherever arising, not dealt with in the foregoing Articles of this Agreement shall be taxable only in that Contracting State.

2. The provisions of paragraph 1 shall not apply to income other than income from immovable property as defined in paragraph 2 of Article

دفتر هیئت دولت

6, if the recipient of such income, being a resident of a Contracting State, carries on business in the other Contracting State through a permanent establishment situated therein, or performs independent personal services from a fixed base situated therein and the right or property in respect of which the income is derived is effectively connected with such a permanent establishment or fixed base. In such case, the provisions of Article 7 or Article 15, as the case may be, shall apply.

Article 23

CAPITAL

1. Capital represented by immovable property referred to in Article 6, owned by a resident of a Contracting State and situated in the other Contracting State, may be taxed in that other Contracting State.
2. Capital represented by movable property forming part of the business property of a permanent establishment which an enterprise of a Contracting State has in the other Contracting State or by movable property pertaining to a fixed base available to a resident of a Contracting State in the other Contracting State for the purpose of performing independent personal services, may be taxed in that other Contracting State.
3. Capital represented by ships, boats, and aircraft operated in international traffic and by movable property pertaining to the operation of such ships, boats, and aircraft shall be taxable only in the Contracting State in which the place of effective management of the enterprise is situated.
4. All other elements of capital of a resident of a Contracting State shall be taxable only in that State.

Article 24

METHOD FOR THE ELIMINATION OF DOUBLE TAXATION

1. In the case of the Islamic Republic of Iran, double taxation shall be avoided as follows:

دفتر هیئت دولت

a) Where a resident of the Islamic Republic of Iran derives income or owns capital and / or capital gains which, in accordance with the provisions of this Agreement may be taxed in the Republic of Ghana, the Islamic Republic of Iran shall allow:

(i) as a deduction from the tax on the income of that resident, an amount equal to the income tax paid in the Republic of Ghana,

(ii) as a deduction from the tax on the capital and / or capital gains of that resident, an amount equal to the capital and / or capital gains tax paid in the Republic of Ghana.

Such deduction in either case shall not, however, exceed that part of the tax as computed before the deduction is given, which is attributable, as the case may be, to the income, capital and / or capital gains.

b) Where in accordance with any provision of the Agreement income derived or capital owned by a resident of the Islamic Republic of Iran is exempted from tax in that State, the Islamic Republic of Iran may notwithstanding the exemption, in calculating the amount of tax on the remaining income or capital and / or capital gains of such resident, take into account the exempted income, capital and / or capital gains.

2. In the case of the Republic of Ghana, double taxation shall be eliminated as follows:

a) Iran tax payable under the laws of the Islamic Republic of Iran and in accordance with the provisions of the Agreement, whether directly (by assessment) or by deduction (withholding), on profits, income or chargeable gains from sources within the Islamic Republic of Iran (excluding in the case of dividends, tax payable in respect of the profits out of which the dividends are paid) shall be allowed as a credit against any Ghana tax computed by reference to the same profits, income or chargeable gains by reference to which Iran tax is computed;

b) In the case of dividends paid by a company which is a resident of the Islamic Republic of Iran to a company which is resident in Ghana and which controls directly at least 25 per cent of the capital of the

دفتر هیئت دولت

company paying the dividends, the credit shall take into account (in addition to any Iran tax for which credit may be allowed under the provisions of paragraph 1 the Iran tax payable by the company in respect of the profits out of which such dividends are paid;

c) In any case, the amount of tax credit to be granted under this paragraph shall not exceed the proportion of the Ghana tax which such profits, income or chargeable gains bear to the entire profits, income or chargeable gains as the case may be chargeable to Ghana tax.

Article 25 NON-DISCRIMINATION

1. Nationals of a Contracting State shall not be subjected in the other Contracting State to any taxation or any requirement connected therewith which is other or more burdensome than the taxation and connected requirements to which nationals of that other Contracting State in the same circumstances, in particular with respect to residence, are or may be subjected. This provision shall, notwithstanding the provisions of Article 1, also apply to persons who are not residents of one or both of the Contracting States.

2. The taxation on a permanent establishment, which an enterprise of a Contracting State has in the other Contracting State, shall not be less favorably levied than the taxation levied on enterprises of that other Contracting State carrying on the same activities.

3. Enterprises of a Contracting State, the capital of which is wholly or partly owned or controlled, directly or indirectly, by one or more residents of the other Contracting State, shall not be subjected in the first-mentioned State to any taxation or any requirement connected therewith which is other or more burdensome than the taxation and connected requirements to which other similar enterprises of the first-mentioned State are or may be subjected.

4. Except where the provisions of paragraph 1 of Article 9, paragraph 7 of Article 11, or paragraph 6 of Article 12 apply, interest, royalties and other disbursements paid by an enterprise of a Contracting State to a resident of the other Contracting State shall, for the purpose of

دفتر هیئت دولت

determining the taxable profits of such enterprise, be deductible under the same conditions as if they had been paid to a resident of the first-mentioned State. Similarly, any debts of an enterprise of a Contracting State to a resident of the other Contracting State shall, for the purpose of determining the taxable capital of such enterprise, be deductible under the same conditions as if they had been paid to a resident of the first-mentioned State.

5. These provisions shall not be construed as obliging a Contracting State to grant to residents of the other Contracting State any personal allowances, reliefs and reductions for taxation purposes on account of personal status or family responsibilities which it grants to its own residents.

Article 26

MUTUAL AGREEMENT PROCEDURE

1. Where a resident of a Contracting State considers that the actions of one or both of the Contracting States result or will result for him in taxation not in accordance with this Agreement, he may, irrespective of the remedies provided by the domestic law of those States, present his case to the competent authority of the Contracting State of which he is a resident or, if his case comes under paragraph 1 of Article 25 to that of the Contracting State of which he is a national. The case must be presented within three years from the first notification of the action resulting in taxation not in accordance with the provisions of the Agreement.

2. The competent authority shall endeavor, if the objection appears to it to be justified and if it is not itself able to arrive at a satisfactory solution, to resolve the case by mutual agreement with the competent authority of the other Contracting State, with a view to the avoidance of taxation which is not in accordance with the Agreement. Any agreement reached shall be implemented notwithstanding any time limits in the domestic law of the Contracting States.

3. The competent authorities of the Contracting States shall endeavor to resolve by mutual agreement any difficulties or doubts arising as to the interpretation or application of the Agreement. They may also consult

دفتر هیئت دولت

together for the elimination of double taxation in cases not provided for in the Agreement.

4. The competent authorities of the contracting states may communicate with each other directly or through a joint commission of their representatives to develop appropriate procedures, conditions, methods and techniques for the implementation of the mutual agreement procedure provided for in this Article in order to reach agreement in the sense of the preceding paragraphs.

Article 27

EXCHANGE OF INFORMATION

1. The competent authorities of the Contracting States shall exchange such information as is necessary for carrying out the provisions of this Agreement or of the domestic laws of the Contracting States concerning taxes covered by the Agreement in so far as the taxation thereunder is not contrary to the Agreement. The exchange of information is not restricted by Article 1.

2. Any information received by a Contracting State shall be treated as confidential in the same manner as information obtained under the domestic laws of that State and shall be disclosed only to persons or authorities including courts and administrative bodies concerned with the assessment or collection of, the enforcement or prosecution in respect of or the determination of appeals in relation to the taxes covered by the Agreement. Such persons or authorities shall use the information only for such purposes. They may disclose the information in public court proceedings or in judicial decisions.

3. In no case shall the provisions of paragraph 1 be construed so as to impose on a Contracting State the obligation:

a) to carry out administrative measures against the laws and the administrative practice of that or of the other Contracting State;

b) to supply information which is not obtainable under the laws or in the normal course of the administration of that or of the other Contracting State;

c) to supply information which would disclose any trade, business, industrial, commercial or professional secret or trade process, or

دفتر هیئت دولت

information the disclosure of which would be contrary to public policy. (ordre public)

4. Subject to the limitations mentioned in paragraph 3 above, if information is requested by a Contracting State in accordance with this Article, the other Contracting State shall use its information gathering measures to obtain the requested information.

Article 28

MEMBERS OF DIPLOMATIC MISSIONS AND CONSULAR POSTS

Nothing in this Agreement shall affect the fiscal privileges of members of diplomatic missions or consular posts under the general rules of international law or under the provisions of special agreements.

Article 29

ENTRY INTO FORCE

Each of the Contracting States shall notify to the other through diplomatic channels the completion of procedures required by its domestic laws for the bringing into force of this Agreement.

This Agreement shall enter into force on the date of the later of these notifications and its provisions shall have effect in respect of any portion of income, capital and capital gains that are earned or exist on or after the first day in the next calendar year following the year in which the Agreement entered into force.

Article 30

TERMINATION

This Agreement shall remain in force until it is terminated by a Contracting State. Either Contracting State may terminate the Agreement through diplomatic channels, by giving notice of termination at least six months before the end of any calendar year following the period of five years from the date on which the Agreement enters into force. In such event, the Agreement shall cease to have effect in respect of any portion of the income, capital and

دفتر هیئت دولت

٢٥٨١-٢٢١٢

١٢٠٠/١١/٢٠

capital gains that exist or are earned on or after the first day in the next calendar year following the year in which the notice has been given.

Done in duplicate in Accra on 25/08/1396 Solar Hijra corresponding to 16/11/2017 in the Persian and English languages, both texts being equally authentic.

In witness whereof the undersigned, duly authorized hereto, by their respective Governments, have signed this Agreement.

For the Government of
the Islamic Republic of Iran

For the Government of
the Republic of Ghana

Mahmoud Housh
Minister of Agriculture Jihad

Ken Ofori-Atta
Minister of Finance

دفتر هیئت دولت

٢٥/١١٠٢٢١٢

١٢٠٠/١١/٢٠

IN THE NAME OF ALLAH

AGREEMENT

BETWEEN

THE GOVERNMENT OF
THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

AND

THE GOVERNMENT OF
THE REPUBLIC OF GHANA

FOR THE AVOIDANCE OF
DOUBLE TAXATION AND THE PREVENTION OF
FISCAL EVASION WITH RESPECT TO
TAXES ON INCOME, ON CAPITAL AND ON
CAPITAL GAINS

دفتر هیئت دولت

٢٥٥١٠٢٢١٢

١٢٠٠/١١/٢٠

THE GOVERNMENT OF
THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN
AND
THE GOVERNMENT OF
THE REPUBLIC OF GHANA

desiring to conclude an Agreement for the avoidance of double taxation and the prevention of fiscal evasion with respect to taxes on income, on capital and on capital gains have agreed as follows:

Article 1
PERSONAL SCOPE

This Agreement shall apply to persons who are residents of one or both of the Contracting States.

Article 2
TAXES COVERED

1. This Agreement shall apply to taxes on income, on capital and on capital gains imposed on behalf of each Contracting State or of its political subdivisions or local authorities, irrespective of the manner in which they are levied.

2. There shall be regarded as taxes on income, on capital and on capital gains, all taxes imposed on total income, on total capital and on total capital gains or on elements of income, of capital, and of capital gains, including taxes on income from the alienation of movable or immovable property, taxes on the total amounts of wages or salaries paid by enterprises, as well as taxes on capital appreciation.

3. The existing taxes to which the Agreement shall apply are:

- a) in the case of the Islamic Republic of Iran:
- (i) the income tax:
 - income tax on real estates;
 - income tax on agriculture;
 - income tax on salary;
 - income tax on occupation (business);
 - income tax on legal persons.
 - (ii) the property tax.

دفتر هیئت دولت

- b) in the case of the Republic of Ghana:
- (i) the income tax; and
 - (ii) the capital gains tax.

4. The Agreement shall apply also to any identical or substantially similar taxes, which are imposed after the date of signature of the Agreement in addition to, or in place of, the existing taxes referred to in paragraph 1 of this Article. The competent authorities of the Contracting States shall notify each other within a reasonable period of any substantial changes, which have been made in their respective taxation laws.

Article 3

GENERAL DEFINITIONS

1. For the purposes of this Agreement, unless the context otherwise requires, the meanings of the terms are as follows:

a)

(i) the term "Islamic Republic of Iran" means the territory under the sovereignty and/or jurisdiction of the Islamic Republic of Iran;

(ii) the term "the Republic of Ghana" means the territory of the Republic of Ghana including the air-space, the territorial sea and any area outside the territorial sea within which, in accordance with international law, the Republic of Ghana exercises jurisdiction and has sovereign rights for the purpose of exploring and exploiting the natural resources of the sea bed and its subsoil and the superjacent waters;

b) the term "a Contracting State" and "the other Contracting State" mean the Islamic Republic of Iran or the Republic of Ghana, as the context requires;

c) the term "person" includes:

- (i) an individual;
- (ii) a company or any other body of persons;

دفتر همت دولت